

## روابط عاطفی حضرت زینب علیها السلام و امام حسین علیه السلام با تأکید بر واقعه عاشورا

دکتر بشیر سلیمی<sup>۱</sup>

دکتر سعید طاووسی مسرور<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۰۳

### چکیده

یکی از مسائلی که کم‌تر به آن توجه شده، روابط عاطفی معصومان علیهم السلام با اعضای خانواده و بستگان درجه اول و روابط عاطفی متقابل آنان با معصوم علیه السلام است. از این‌رو در این مقاله روابط عاطفی حضرت زینب علیها السلام با امام حسین علیه السلام در طول حیات حضرت زینب علیها السلام بررسی شده، اما تأکید مقاله بر واقعه عاشورا است. در این جستار با توجه به رعایت سیر تاریخی از ولادت حضرت زینب علیها السلام تا اتمام واقعه عاشورا و وقایع پس از آن، حوادث به ترتیب توالی پیشرفت‌ها مورد توجه بوده و روابط عاطفی از لابه‌لای گزارش‌های تاریخی و روایی استخراج شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که این روابط عاطفی مبتنی بر عقلانیت بوده و صرف احساس زنانه نبوده؛ بلکه بروز عواطف در مواردی دارای جنبه‌های عقیدتی و سیاسی نیز بوده است.

**کلیدواژگان:** حضرت زینب علیها السلام، امام حسین علیه السلام، روابط عاطفی، عاشورا.

۱. دکترای قرآن و حدیث، نویسنده مسئول (bashirsalimi@iran.ir)

۲. دکترای تاریخ اسلام (saeed.tavoosi@gmail.com)

## ۱. کودکی حضرت زینب علیها السلام و شکل‌گیری شخصیت عاطفی وی در کنار مادر

حضرت زینب علیها السلام، دختر نخست امام علی علیه السلام و فرزند سوم ایشان است که ولادتش را در ۵ جمادی الاول سال پنجم هجری نوشته‌اند (محدثی، ص ۲۱۶). از زمان خردسالی و کودکی ایشان آگاهی‌های اندکی داریم (قزوینی، محمدکاظم، ۱۴۲۷، ص ۳۸). او از همان کودکی ایثار و از خودگذشتگی را آموخته است. نقل است که هنگام شکایت مردی از گرسنگی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، آن حضرت ابتدا آن مرد را نزد همسرانش می‌فرستد ولی آنان فقط آب داشتند. نهایتاً علی علیه السلام داوطلب نگاه داشت آن مرد در آن شب می‌شود. حضرت زهرا علیها السلام می‌فرماید:

ما عندنا إلا القوت الصبی ...؛

پیش ما جز غذای این دختر کوچک نیست؛ ولی آن را به مهمانمان ایثار می‌کنیم.

حضرت علی علیه السلام دختر را گرسنه می‌خواهاند و چراغ را خاموش می‌کند. صبح هنگام که به نزد پیامبر می‌رود آیه «وَيُؤْتِرُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ» در شأن ایشان نازل می‌شود. اگرچه در سبب نزول این آیه موارد دیگری هم بیان شده و در منابع اهل سنت آمده است:

رجل من الانصار؛ (ثعلبی، ج ۹، ص ۲۷۹)

به جای حضرت علی علیه السلام.

ولی بی‌شک حضرت زینب علیها السلام، گرسنگی‌های دوران فقر و سختی را کشیده است. روایت است که در همین سنین کودکی، زینب کبری علیها السلام خوابی می‌بیند و آن را با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان می‌گذارد که طی آن طوفان شدیدی وزیدن می‌گیرد و دنیا و آسمان را سیاه می‌کند. باد دختر کوچک را به هرسو می‌کشاند. ناگهان درخت بزرگی را می‌بیند و خود را به آن می‌چسباند ولی باد درخت را می‌کند و زینب علیها السلام را بر روی زمین می‌اندازد. پس از آن زینب علیها السلام یکی از شاخه‌های آن درخت را می‌گیرد اما شدت باد آن شاخه را نیز می‌شکند تا شاخه سوم و چهارم که همگی می‌شکنند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چون رؤیا را شنید، گریست و سپس فرمود:

منظور از درخت من هستم. دو شاخه بزرگ علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام هستند. دو

شاخه آخری برادرانست هستند که با فقدان آن دو جهان تیره و تار شده و تودر عزای آنان لباس سیاه برتن خواهی کرد. (قزوینی، پیشین، ص ۳۸)

و این گونه است که زینب علیها السلام از همان کودکی با مصیبت‌ها عجیب و برای آینده‌ای سخت آماده می‌شود.

زینب علیها السلام در کنار مادر، مهر و محبت و عاطفه را آموخته است. او نقل می‌کند:

مادرم در شب جمعه دیگران را دعا می‌کرد و یکی یکی می‌شمرد و برای خود چیزی نخواست. وقتی برادرم حسین علیه السلام علت را جویا شد، مادرم فرمود: پسر کوچکم، نخست همسایه و سپس اهل خانه. (همو: ص ۴۰)

## ۲. روابط عاطفی حضرت زینب علیها السلام با پدر و برادر بزرگش

زینب علیها السلام در هیچ حال پدر را تنها نمی‌گذارد و در حالی که همسرش با سپاه امام علی علیه السلام از بصره به کوفه آمده است، او نیز از مدینه به کوفه آمده و در دارالاماره ساکن می‌شود و در منزلش به تدریس قرآن و تفسیر آن به زنان طی چهار سال مشغول می‌شود.

روزی که مشغول تفسیر آیه «کهیعص» بود، حضرت علی علیه السلام بر او وارد می‌شود و می‌گوید:

«دخترم این از حوادثی در آینده بر تو خبر می‌دهد و از مصائبی که بر تو خواهد رفت. و زینب علیها السلام به گریستن می‌پردازد (همو: ص ۶۸ و ۶۹).

بدین ترتیب حضرت زینب علیها السلام مجدداً درباره واقعه عاشورا آمادگی پیدا می‌کند. پس از شهادت حضرت زهرا علیها السلام، این حلقه مهر و محبت در کوفه در رابطه با پدر ادامه پیدا می‌کند و چنان‌که نقل شده حضرت علی علیه السلام در ماه مبارک رمضان هر شب در منزل یکی از فرزندان او افطار می‌کند و حضرت زینب علیها السلام نیز از این قاعده مستثنی نیست. روایت شده که در افطار شب نوزدهم ماه مبارک رمضان حضرت زینب علیها السلام از پدرش با گرده نان جو، اندکی نمک و کاسه‌ای شیر پذیرایی می‌کند و دختر شاهد آخرین مناجات‌های پدر پیش از ضربت خوردن است. از خود ایشان ماجرای آن شب نقل شده. (اگرچه برخی منابع گزارش دارند که در شب نوزدهم رمضان امام علی علیه السلام در منزل ام کلثوم بوده است.) و این که پدرش چگونه با او وداع می‌کند و در برابر گریه‌های او می‌گوید:

دخترم گریه نکن! و من چیزی جز آنچه پیامبر ﷺ برایم حکایت کرده است  
برایت نگفتم.

حضرت زینب علیها السلام ادامه می دهد:

ای پدر! چه کسی صغیران را سرپرستی کند تا بزرگ شوند و چه کسی بزرگان را  
در میان مردم پشت و پناه باشد؟

در انتها رابطه عاطفی به اوج می رسد و حضرت زینب علیها السلام می فرماید:

پدرجان! اندوه ما برای تویی پایان است و اشک ما بر تو خشک نخواهد شد.  
(مجلسی، ج ۴۲، ص ۲۷۶-۲۷۹)

روابط عاطفی حضرت زینب علیها السلام که توأم با مصیبت هاست در زمان امام حسن علیه السلام نیز ادامه  
دارد و ایشان که افزون بر جنبه برادری، جنبه امامت و شئون مربوط به آن را نسبت به امام  
حسن علیه السلام رعایت می کند. بنا بر نقل صاحب معالی السبطین، آن حضرت در زمان شهادت امام  
حسن علیه السلام در کنار بستر برادر خویش حاضر می شود و گریه ای طولانی می کند (مازندرانی، معالی  
السبطین، ج ۱، المجلس التاسع). اگر چه کتاب معالی السبطین چندان معتبر نیست (نک.  
نادعلی زاده، معالی السبطین، دز: فرهنگ سوگ شیعی، ص ۴۵۶ - ۴۵۷)؛ اما این روایت  
می تواند به عنوان جلوه ای از محبت و عاطفه حضرت زینب علیها السلام نسبت به برادر بزرگش،  
پذیرفتنی باشد.

### ۳. روابط عاطفی متقابل حضرت زینب علیها السلام با امام حسین علیه السلام پیش از عاشورا

محبت میان حضرت زینب علیها السلام و امام حسین علیه السلام در نوع خود بی نظیر است. حضرت  
زینب علیها السلام می داند که حسنین علیهما السلام سرور جوانان اهل بهشت هستند. به آیات در شأن برادرش  
اعتقاد دارد و اکنون تنها حسین علیه السلام، برای او مانده است. این علاقه به برادر در دوران پیش از  
ازدواج، با ازدواج او با عبدالله بن جعفر (در زمان سفر امام حسین علیه السلام به کربلا، عبدالله بن جعفر  
۵۵ ساله بوده است.)، از بین نمی رود و بلکه شاید تقویت هم می شود؛ زیرا عبدالله نیز انسانی  
رئوف است. نقل شده که عبدالله در باغی استراحت می کرد و غلامی غذای خود را به سگ  
می داد. عبدالله آن باغ را برای غلام خرید. در جایی دیگر عبدالله در نزد معاویه بوده و ظاهراً

عمرو عاص هم آن جا حضور داشته است که معاویه به امام علی علیه السلام دشنام می گوید و عبدالله برآشفته شده و با معاویه بگومگو می کند. (ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۲۹۵ و ۲۹۶) پس زینب علیها السلام همسری دارد که با او همراه است.

زینب علیها السلام احترامی بس زیاد برای برادرش حسین علیه السلام قایل است. روایت شده است:

هنگامی که مروان از دختر حضرت زینب علیها السلام برای یزید (که در این زمان ولایت عهدی دارد و معاویه هنوز زنده است)، خواستگاری می کند؛ حضرت زینب علیها السلام فرمود: «اختیار این دختر در دست من نیست. بلکه به دست سرور و مولای ما حسین علیه السلام است.» امام علیه السلام نیز طی گفت و گویی با مروان، ضمن یادآوری اشتباهات تاریخی و عقیدتی بنی امیه گوشزد می کند که اشتباهات این طایفه با پیوند ازدواج پاک نمی شود. نهایتاً امام حسین علیه السلام، ام کلثوم دختر حضرت زینب علیها السلام را با مهریه ۴۸۰ درهم، به ازدواج پسرعمویش قاسم بن محمد بن جعفر درآورد و باغ خود در مدینه را که در سال هشتصد هزار دینار درآمد داشت به ام کلثوم بخشید. (نوری، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۹۹)

#### ۴. روابط عاطفی متقابل حضرت زینب علیها السلام با امام حسین علیه السلام در قیام عاشورا

از جلوه های روابط عاطفی حضرت زینب علیها السلام با امام حسین علیه السلام می توان به حرکت ایشان از مدینه به سمت کوفه اشاره کرد. روایت شده است در منطقه ای به نام «خزیمیه» که یک شب را در آن جا می خوابند، هاتفی در دل شب ندا سرداده و از حوادث آینده بر حضرت زینب علیها السلام خبر می دهد. او موضوع را با برادر در میان می گذارد و امام علیه السلام به زینب علیها السلام می فرماید: «یا اختاه کل الذی قضی فهو کائن: خواهرم تمام آنچه در قضا است رخ خواهد داد.» (عسکری، ۱۴۳۰، ج ۱۲، ص ۱۷). بنابراین حضرت زینب علیها السلام بار دیگر برای حوادث کربلا آماده می شود.

در شب عاشورا زمانی که امام علیه السلام شعر مشهور «یا دهراف لک من خلیل...» را می خواند و حضرت زینب علیها السلام می فهمد که شهادت قطعی است، براساس عاطفه شدید نسبت به برادر، بسیار گریه و بی تابی می کند و برادر او را آرام می کند (قمی، ص ۲۰۹ و ۲۱۰). بنابراین روایات موجود، واکنش عاطفی دیگر زمانی است که امام حسین علیه السلام به ایشان می فرماید:

خواهرم من پیامبر ﷺ را در خواب دیدم و آن حضرت فرمود: «توبه زودی نزد ما خواهی آمد.» در این جا حضرت زینب علیها السلام سیلی بر صورت خود می زند و امام علیه السلام باز هم خواهرش را آرام می کند. (ابن طاووس، ص ۹۰؛ تاج الدین، ۱۴۳۸، ص ۱۵۶)

روایت شده که در شب عاشورا و ادامه بحران آب و تشنگی، حضرت زینب کبری علیها السلام به استقبال برادر آمد و بالشی برای برادر گذاشت و آن حضرت در کنار خواهر نشست و آهسته مشغول صحبت شدند. طولی نکشید که اشک از چشمان زینب کبری علیها السلام جاری شد و فرمود: برادر! آیا من شاهد قتلگاه تو باشم؟ آیا من باید بار مسئولیت این زنان وحشت زده را برعهده گیرم؟ و تو می دانی که این قوم چه کینه دیرینه ای از ما در دل دارند. این مسئولیتی بسیار سنگین است. تحمل داغ مرگ این جوانان برگزیده و ماه های بنی هاشم بر من بسیار گران است.

زینب نگران است مبادا یاران حسین علیه السلام او را در معرکه تنها بگذارند اما این موضوع به گوش حبیب بن مظاهر می رسد و نهایتاً منجر به بیعت دوباره اصحاب با امام علیه السلام می شود. به هر حال روز عاشورا جنگ در می گیرد و یاران یکی پس از دیگری کشته می شوند تا نوبت به علی اکبر علیه السلام می رسد. حضرت زینب علیها السلام پس از شهادت علی اکبر علیه السلام به سمت میدان می دود و فریاد می زند: واویلا! ای حبیب من! ای میوه دل من! ای نورچشم من ...

اما امان از وقتی که عباس علیه السلام شهید شد. امام حسین علیه السلام بر بالای بلندی در نزدیکی خیمه ها ایستاده بود و به میدان جنگ نگاه می کرد. زینب کبری علیها السلام نیز ایستاده بود و به چهره برادر می نگریست. ناگهان آثار غم و اندوه در چهره امام علیه السلام هویدا شد؛ حضرت زینب علیها السلام پرسید: برادرم چرا چهره ات تغییر کرد؟ امام علیه السلام فرمود:

أُخِيَه! سَقَطَ الْعَلَمُ وَقُتِلَ أَخِي الْعَبَّاسُ؛

خواهرم! پرچم افتاد و برادرم عباس علیه السلام شهید شد.

با شنیدن این خبر حضرت زینب علیها السلام فریاد زد:

وای برادرم! وای عباسم! وای از کمی یاوران! وای از بی سرپرستی ما پس از توای  
ابوالفضل!

امام حسین علیه السلام نیز فرمایش خواهر را تأیید کرد و در ادامه فرمود:

اکنون پشتم شکست و چاره‌ام کم شد. (عسکری، ج ۱۴، ص ۲۰)

روایت شده است که وقتی حضرت ابوعبدالله الحسین علیه السلام برای آخرین بار پیش از عزیمت برای وداع با خواهرش و سایر بانوان حرم به خیمه‌ها آمد، این لحظات عاطفی، حقیقتاً خارج از حد توصیف است. در این دقیقه‌ها اندوه به نهایت خود رسیده است و اضطراب و نگرانی اهل حرم در اوج است. بعد از گفت‌وگوی کوتاه امام علیه السلام با زنان و دختران، سکینه به شیون و گریه صدا بلند کرد و حضرت امام حسین علیه السلام او را بر سینه شریف خویش فشرد و بوسید و اشک او را پاک کرد و خود به گریه افتاد. حضرت زینب علیه السلام عرض کرد: برادرم! گریه‌ات از چیست؟  
امام علیه السلام فرمود:

چگونه گریه نکنم با این‌که به زودی شما را به صورت اسیر در میان دشمنان  
حرکت می‌دهند؟ (تاج‌الدین، ص ۱۸۳)

امام علیه السلام در ادامه فرمود تا همه زنان مقنعه و چادر عربی بپوشند. حضرت زینب علیه السلام سبب را  
جوفا شد، امام فرمود:

گویا شما را می‌بینم که به زودی همچون غلامان و کنیزان پیشاپیش سواران  
کاروان رانده خواهید شد و بدترین عذاب را بر شما روا خواهند داشت.

چون زینب کبری علیه السلام این سخن را شنید، گریست و گفت:

وای از تنهایی! وای از کمی یاوران!

آن‌گاه بر صورت خود نواخت. امام علیه السلام در جمله‌ای عاطفی و توأم با عقلانیت فرمود:

ای دختر مرتضی علیه السلام! آرام باش که گریه‌های طولانی در پیش داری. (قزوینی،  
ص ۱۵۸-۱۵۹)

در این هنگام وقتی امام خواست از خیمه بیرون رود، حضرت زینب علیه السلام دامن برادر را گرفت

و او را به صبر و تأمل فراخواند. این تأمل برای اجتناب از جنگ با یزیدیان نبود؛ بلکه می‌خواست تا کمی بیش‌تر برای آخرین بار چهره برادر را ببیند. و شروع به بوسیدن دست و پای برادر کرد. برادر به خواهر آرامش داد و وعده‌های الهی برای صابران را به او یادآوری کرد. از محبت خواهر به برادر این‌که پیراهن کهنه‌ای را به برادر داد تا هنگام شهادت پیکر او را عریان نکنند و برادر آن را در زیر لباس‌هایش پوشید. (همو، ص ۱۵۹).

بی‌شک فرا رسیدن زمان شهادت برادر برای حضرت زینب علیها السلام بسیار جانسوز بوده که در بیان نمی‌آید؛ اما روایت شده است که در روز یازدهم محرم و زمان گذر کاروان اسرا از قتلگاه به سوی کوفه و شام، چشم خواهر بر جنازه برادر افتاد که نه کفنی داشت و نه به خاک سپرده شده بود و آن‌گاه این واژگان را فرمود:

یا محمداه، صلی الله علیک ملیک السماء، هذا حسین مرمل بالدماء...؛ (ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۱۳)

ای محمد صلی الله علیه و آله! فرشتگان آسمان بر تو درود فرستند. این حسین علیه السلام است که آغشته به خون است و اندام‌هایش بریده بریده شده است. و این دختران هستند که اسیر شده‌اند. به خدا و محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و علی مرتضی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و حمزه سیدالشهدا علیه السلام دادخواست می‌برم.

در بخشی دیگر و در مجلس یزید در شام نیز، این روابط عاطفی هنوز ادامه دارد و تاریخ گواه است که حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید، آن‌جا که شاهد اهانت‌های یزید به سرمقدس برادر بوده، واکنش شدیدی از خود نشان داده است (قزوینی، ص ۱۲۲، ۲۶۵؛ نک: محمدزاده مزینان، ص ۲۲۷ - ۲۳۰).

### نتیجه‌گیری

حضرت زینب علیها السلام مهر و محبت و عاطفه را از مادرش آموخته است و پس از شهادت مادر علیها السلام روابط عاطفی عمیقی با پدر و دو برادر خود دارد. این روابط عاطفی بعد از شهادت امام مجتبی علیه السلام نسبت به امام حسین علیه السلام تنها بازمانده اصحاب کسا علیهم السلام به اوج خود می‌رسد و بیش‌ترین تجلی را در واقعه عاشورا دارد. با مروری بر گزارش‌های تاریخی و روایی نشان داده شد که این روابط عاطفی، صرف احساسات زنانه نبوده و توأم با عقلانیت بوده؛ چنان‌که از القاب



ایشان عقیده و عاقله است (نک: محمدزاده مزینان، ص ۲۲۲). به علاوه در بروز این روابط عاطفی جنبه‌های عقیدتی و سیاسی هویدا است؛ چنان‌که ایشان روز عاشورا پیراهن کهنه‌ای را به برادرش امام حسین علیه السلام داد تا هنگام شهادت پیکر او را عریان نکنند و آن حضرت آن را در زیر لباس‌هایش پوشید. این مثال در کنار شواهد دیگر نشان می‌دهد که حضرت زینب علیها السلام در همه حال به دنبال حفظ عظمت شخصیت برادرش و جلوگیری از هرگونه هتک حرمت و اهانت نسبت به ایشان به عنوان امام، حجت و ولی زمان بوده است و شاهد دیگرش این که به شدت به جسارت یزید به سرمطهر امام علیه السلام اعتراض می‌کند.

## منابع

- ابن ابی الحدید (بی تا)، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- ابن اثیر، علی بن محمد (بی تا)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر.
- ابن طاووس، علی بن موسی علیه السلام (بی تا)، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران، نشر جهان.
- اخطب خوارزم، موفق بن احمد (بی تا)، مقتل الحسین، قم، انوار الهدی.
- تاج الدین، مهدی (۱۴۳۸)، المجالس الزینبیه علیها السلام، قم، المکتبه الحیدریه.
- ثعلبی (بی تا)، الكشف والبیان عن تفسیر القرآن، لبنان، دار احیاء التراث العربی.
- حائری مازندرانی، مهدی (۱۴۲۵)، معالی السبطين فی احوال الحسن والحسین علیهما السلام، قم، سلمان فارسی.
- عسکری، سید مرتضی و سید محمد باقر شریف قرشی و سید هاشم بحرانی (۱۴۳۰)، الصحیح من سیره الامام الحسین بن علی علیه السلام، به کوشش: سید علی عاشور، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- قزوینی، محمد کاظم (۱۳۸۶)، زینب کبری علیها السلام ز ولادت تا شهادت، ترجمه: کاظم حاتمی طبری، قم، پیام مقدس.
- قمی، عباس (بی تا)، نفس المهموم فی مصیبه سیدنا الحسین المظلوم علیه السلام و یلیه نفسه المصدور فیما يتجدد به حزن العاشور، قم، المکتبه الحیدریه.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محدثی، جواد (۱۴۱۷)، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف.
- محمدزاده مزینان، اسماعیل (۱۳۸۹)، نقش زنان در تدویم قیام عاشورا در عاشورا پژوهی، مجموعه مقالات (۱): شناخت و تحلیل قیام عاشورا، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- موسوعه الامام الحسین علیه السلام (تاریخ امام حسین علیه السلام) (۱۳۸۰)، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی دفتر انتشارات کمک آموزشی.
- نادعلی زاده، مسلم (۱۳۹۵)، معالی السبطين در فرهنگ سوگ شیعی، مدیر و سروراستان: محسن حسام مظاهری، تهران، خیمه.